

صَلَّى مُحَمَّدٌ عَلَى مُحَمَّدٍ

عارف کشفی، سید جعفر

رسول خدا ﷺ و یهود / مؤلف سید جعفر عارف کشفی. - قم: چلچراغ، ۱۳۸۸.

۶۷۷ ص.

ISBN 978-600-90989-9-6

۹۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۶۷۱-۶۷۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - روابط با یهودیان. ۲. یهودیان - تاریخ.

۳. یهودیت - تاریخ. ۴. اسلام - تاریخ - از آغاز تا ۱۱ ق. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۳

BP۲۴/۶۵/ع۲۵

ترجمه عربی این کتاب در زمره موسوعة الرسول المصطفی ﷺ شماره ۲۶ توسط نشر

سنبله در مشهد مقدس سال ۱۳۸۷ ش منتشر گردیده است.

تلفن مؤسسه: ۲۲۳۴۲۹-۰۵۱۱. ناشر: ۲۷-۰۲۹۱۳۲۹۰۹۱۵



قم، انتشارات چلچراغ، همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۱۲۱ / تلفن: ۷۷۳۳۵۸۶-۰۲۵۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب	رسول خدا ﷺ و یهود
مؤلف	سید جعفر عارف کشفی
ویرایش	سید محمدرضا رهنمایی
ناشر	انتشارات چلچراغ
شمارگان	۲۰۰۰ جلد
چاپ	الهادی
نوبت چاپ	اول - بهار - ۱۳۸۹ ش
قطع	وزیری
قیمت	۹۰۰۰ تومان

شابک: ۶-۹-۹۰۹۸۹-۹۰-۶۰

تمام حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است. همراه: ۰۹۱۵۵۱۴۷۳۸۴

رسول خدا ﷺ

وہود

سید جعفر عارف کشفی

رسول الله در قرآن مجید

محمد رسول الله ﷺ و کسانی که با اویند، نسبت به کفار سخت گیر و با یک دیگر رحیمند. ایشان را پیوسته در رکوع و سجود می بینی، فضل و رضای الهی را می جویند؛ نشانه‌ی ایمان در چهره‌ی آنان از اثر سجده‌های بسیار نمایان است؛ این نمودار ایشان در تورات است. و مثل آنان در انجیل، به کشته‌ای ماند که جوانه زده و خوشه گرفته پس سخت شده و بر ساقه‌ی خود ایستاده است، به گونه‌ای که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد تا کفار را - در اثر صلابت خویش - به خشم آورند. خداوند به کسانی از آنان که ایمان آورده و عمل صالح کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است.

قال أمير المؤمنين علي عليه السلام:

اللَّهُمَّ هَذَا أَوَّلُ الْعَدِيدِ وَصَاحِبُ الْآبِدِ ،
ثُورِكَ الَّذِي قَهَرْتَ بِهِ غَوَاسِقَ الظُّلَمِ وَبَوَاسِقَ
الْعَدَمِ وَجَعَلْتَهُ يَكُ وَمِنْكَ وَإِلَيْكَ وَعَلَيْكَ دَالًا
دَلِيلًا ، رُوحُهُ نُسْخَةُ الْأَحَدِيَّةِ فِي الْأَهْوَوتِ ، وَ
جَسَدُهُ مَعَانِي الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ ، وَقَلْبُهُ خَزَائِنُ
الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، طَاوُوسُ الْكِبَرِيَاءِ
وَحَمَامُ الْجَبَرُوتِ .

رسول الله در کلام امیرمؤمنان

امیرمؤمنان علی علیه السلام کنار مرقد پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی آن حضرت چنین فرمود:
الهی این وجود مقدس اول آفریده‌ی تو و با ابدیت
هماره همراه است. او نور تو است که بدان سیاهی
تاریکی‌ها را شکستی و بر هیولای نیستی چیره گشتی
و او را توسط خود و از ناحیه خود و به سوی خود و
بر خودت راهنما و نشانه قرار دادی. روح او نمونه‌ی
یکتایی در عالم لاهوت است و جسم او مثالی از معنای
عالم ملک و ملکوت است و قلب او گنجینه‌ی اسرار
آن خدایی که هرگز نمیرد است. او طاووس کبریا
و کبوتر جبروت است ^(۱).

(۱) - خزینة الجواهر فی زینة المنابر، علی اکبر، نهاوندی: ۴۵۱؛ ناسخ التواریخ، محمد تقی
سپهر، ۴: ۱۶۰، روایت است: چون امام امیرالمؤمنین علیه السلام جسد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله را در
لحد جای داد، این کلمات را فرمود.

مقدمه ۱۹

بخش نخست

(۳۷-۳۵۱)

فصل اول

(۳۷-۱۱۵)

۳۹	پیامبران الهی
۴۱	گفتار اول
۴۱	ابراهیم خلیل الرحمن
۴۲	قرآن و منزلت ابراهیم علیه السلام
۴۶	دعای ابراهیم
۴۸	سفارش ابراهیم
۵۱	ذریه‌ی ابراهیم
۵۲	ابراهیم در تورات
۵۷	فراخوان ماندگار
۵۹	سکوت تورات
۶۱	گفتار دوم
۶۱	پیامبران الهی از نسل ابراهیم
۶۱	اسماعیل نبی
۶۲	اسحاق نبی
۶۴	یعقوب نبی
۶۴	یوسف نبی
۶۶	موسی بن عمران
۷۲	هارون نبی
۷۴	یوشع نبی
۷۵	داود نبی
۷۵	سلیمان نبی

۷۸	عیسی مسیح
۸۵	محمد رسول الله ﷺ
۸۷	گفتار سوم
۸۷	آفرینش نور محمد ﷺ
۹۰	آفرینش زمینی محمد ﷺ
۹۱	میلاد رسول الله ﷺ
۹۶	منادی دین ابراهیم
۹۹	شناخت رسول خاتم
۱۰۲	خلق عظیم
۱۰۵	وصی پیامبر
۱۰۹	قرآن روشنگر

فصل دوم

(۱۱۵ - ۱۸۸)

۱۱۵	پیدایش یهودیت در میان بنی اسرائیل
۱۱۵	تاریخچه یهود
۱۱۵	گفتار اول
۱۱۵	تحریف در دین
۱۱۸	الف - ریشه یهودیت
۱۱۹	ب - بدعت یهودیت
۱۲۱	ج - فرقه سازی
۱۲۴	د - روند متحد دین
۱۲۶	هـ - اهل کتاب و ابراهیم
۱۲۹	گفتار دوم
۱۲۹	یهود جزیره العرب
۱۲۹	الف - جغرافیای انسانی
۱۲۹	عاد و ثمود
۱۳۰	سبأ
۱۳۰	سد مأرب و سیل غرم
۱۳۳	فرزندان عدنان
۱۳۳	بت پرستی و مبارزه با آن
۱۳۵	ب - بنی اسرائیل در گستره ی جزیره

ج - سرآغاز کوچ	۱۳۷
د - یهود در یمن	۱۳۸
هـ - جایگاه یمن	۱۴۳
اصحاب اُخدود	۱۴۷
گفتار سوم	۱۴۹
یهود در مکه	۱۴۹
الف - عامل فرهنگی	۱۵۰
ب - عامل تجاری	۱۵۰
ج - جاذبه‌ی معنوی	۱۵۱
د - گزارش‌های تاریخی	۱۵۲
ابهام	۱۵۳
هـ: راه گشایی قرآنی	۱۵۵
آیات قرآنی	۱۵۶
گفتار چهارم	۱۷۳
یثرب و یهود	۱۷۳
الف - یثرب	۱۷۳
ب - آغاز مهاجرت یهود	۱۷۵
ج - نزاد اصلی یهودیان یثرب	۱۷۶
د - یهود تیما و وادی القُری	۱۷۸
هـ - طوائف عمده یهودیان حجاز	۱۷۹
و - فرهنگ یهود در مدینه	۱۸۱
ز - عقائد و آداب دینی و اخلاق	۱۸۴
امنیت	۱۸۵
اقتصاد	۱۸۵
سیاست	۱۸۶

فصل سوم
(۱۸۹ - ۲۴۴)

شناخت یهود از پیامبر	۱۸۹
گفتار اول	۱۹۱
شناخت یهود از رسول خدا	۱۹۱
نمونه‌های قرآنی	۱۹۴

۱۹۷	شناخت همه جانبه.....
۱۹۸	ابعاد شناخت.....
۱۹۸	شناخت به اسم.....
۱۹۸	الف - نام محمد.....
۲۰۲	ب - نام احمد.....
۲۰۶	شناخت به اوصاف.....
۲۰۶	الف - نواده‌ی اسماعیل.....
۲۰۶	ب - یتیم.....
۲۰۷	ج - میلاد در مکه و هجرت به مدینه.....
۲۰۷	د - برشته‌ر و الاغ سوار می‌شود.....
۲۰۸	هـ - مهربوت.....
۲۱۰	و - صاحب معراج است.....
۲۱۱	ز - کتابش با حروف مقطعه شروع میشود.....
۲۱۱	ح - قبله‌ی او کعبه است.....
۲۱۲	ط - نمازهای پنج‌گانه.....
۲۱۲	ی - برخورداری از یاری جبرئیل امین.....
۲۱۲	ک - شناخت به مکارم اخلاق.....
۲۱۵	ل - پاسخ به سوالات علمی.....
۲۱۸	م - معجزه.....
۲۱۹	ن - شناخت به ذراری و اوصیای آن حضرت.....
۲۲۹	گفتار دوم.....
۲۲۹	دشمنی یهود با اسلام و پیامبر.....
۲۳۳	دشمنی با شخص پیامبر اسلام.....
۲۳۳	۱- دوره‌ی قبل از بعثت :.....
۲۳۵	۲- دوره‌ی بعد از بعثت.....
۲۴۳	یهود مکه و بعثت رسول الله.....

فصل چهارم (۲۴۵ - ۳۵۱)

۲۴۵	ارتباط یهود با پیامبر بعد از هجرت.....
۲۴۷	گفتار اول.....
۲۴۷	هجرت به حبشه.....
۲۵۲	هجرت به مدینه.....

۲۵۹	جو حاکم بر مدینه، به هنگام هجرت
۲۶۳	گفتار دوم
۲۶۳	مرحله جدید از ارتباط پیامبر با یهود
۲۶۳	معاهده‌ی اول:
۲۷۷	معاهده و گمانه زنی‌ها
۲۸۰	اهمیت پیمان
۲۸۱	یهود بنی اسرائیل و پیمان مذکور
۲۸۳	گفتار سوم
۲۸۳	تعامل پیامبر و یهود بنی اسرائیل
۲۸۳	رفتار هدایت محور
۲۸۷	معاهده با یهود بنی اسرائیل
۲۹۱	رفتار یهود وانگیزه‌ی آن
۲۹۶	روند عناد یهود
۲۹۹	گفتار چهارم
۲۹۹	یهود در قرآن [اوائل هجرت]
۳۰۰	یهود از نگاه سوره‌ی بقره

بخش دوم

(۶۷۷-۳۵۱)

فصل اول

(۴۶۰ - ۳۵۳)

۳۵۳	مرحله‌ی جدید از خشونت یهود با رسول خدا
۳۵۵	سرآغاز مشاجره
۳۵۶	گفتار اول
۳۵۶	جنگ بدر و تاثیر آن در رفتار یهود
۳۵۸	آغاز پیمان شکنی یهود
۳۶۰	غزوه‌ی بنی قینقاع
۳۶۲	عوامل غزوه‌ی بنی قینقاع
۳۶۸	تاریخچه‌ی غزوه
۳۶۹	آغاز غزوه
۳۷۸	آثار غزوه

۳۷۹	واکنش یهود
۳۸۱	اقدام مشرکان بین بدر و احد
۳۸۵	گفتار دوم
۳۸۵	یهود در قرآن [اواسط هجرت]
۳۸۶	سوره انفال
۳۹۲	سوره آل عمران
۴۱۱	گفتار سوم
۴۱۱	بنی نضیر
۴۱۶	کشته شدن «کعب بن اشرف»
۴۲۵	غزوه بنی نضیر
۴۲۵	آیات قرآنی
۴۲۹	عوامل غزوه
۴۴۰	حکم نخستین و واکنش یهود
۴۴۳	جنگ افروزی شیطان مدینه
۴۴۴	تاریخ غزوه
۴۴۵	چگونگی غزوه و محاصره
۴۵۵	غنایم بنی نضیر
۴۵۶	ثمرات جنگ
۴۵۷	تاثیر غزوه بر ادبیات یهود
۴۶۰	معجزه پیامبر در حضور یهودی

فصل دوم (۴۶۱-۵۸۶)

۴۶۱	اوج خشونت یهود
۴۶۳	گفتار اول
۴۶۳	غزوه خندق
۴۶۳	نزول آیاتی از سوره احزاب
۴۷۶	اما نقش یهود
۴۸۱	عطوفت رسول خدا
۴۸۸	رمز پیروزی
۴۹۵	پیمان شکنی یهود بنی قریظه
۴۹۹	ماهیت جنگ در اسلام

۵۰۳	گفتار دوم غزوه‌ی بنی قریظه
۵۰۴	عوامل غزوه
۵۰۴	چگونگی غزوه
۵۱۰	چرا حکم قتل
۵۱۲	حکمت سعد
۵۱۵	تعداد مردان بنی قریظه
۵۲۱	غنیمت‌های بنی قریظه
۵۲۲	چرا پیامبر بعد از جنگ خندق به بنی قریظه لشکر کشید؟
۵۲۴	نگاه ولفنسون
۵۲۸	تاثیر غزوه‌ی بنی قریظه بر اقتصاد مدینه
۵۲۹	درس توبه و اخلاص
۵۳۱	گفتار سوم
۵۳۱	پیرامون غزوه‌ی خیبر
۵۳۳	سریه‌ی ابی رافع
۵۳۸	سریه‌ی فدک
۵۴۱	پیروزی بر اعراب
۵۴۲	عمره‌ی پیامبر و بیعت رضوان
۵۴۴	صلح حدیبیه
۵۴۷	پیشنهاد صلح با غطفان
۵۴۸	مکاتبه با اطراف و نامه به خیبر
۵۵۵	گفتار چهارم
۵۵۵	غزوه‌ی خیبر
۵۵۵	انگیزه‌ی رسول خدا و پاسخ به مستشرقین
۵۵۷	حکومت اسلامی
۵۵۸	ماهیت این جنگ و جواب به اظهارات مستشرقان
۵۶۱	سیر دعوت به اسلام
۵۶۳	سوره‌ی فتح
۵۶۶	صراط مستقیم
۵۶۸	سرزمین سبز
۵۷۰	تاریخ غزوه
۵۷۱	به سمت خیبر

۵۷۴	تصرف حصون نطاه
۵۸۱	حصن صعب بن معاذ
۵۸۲	حصن زبیر
۵۸۳	منطقه‌ی شق
۵۸۴	منطقه‌ی کتبه

فصل سوم (۵۸۷ - ۶۷۷)

۵۸۷	تغییر مشی یهود در تعامل با رسول خدا ﷺ
۵۸۹	گفتار اول
۵۸۹	روانکاوای یهود
۵۹۱	تقاضای صلح
۵۹۴	ملاطفت رسول الله ﷺ
۵۹۶	شرایط یهودیان
۵۹۷	درسی برای مسلمانان
۵۹۸	اهمیت فتح خیبر
۶۰۲	حلقه‌های مفقوده
۶۰۶	ازدواج صفیه با رسول الله ﷺ
۶۰۸	خواهر مرحب
۶۰۹	بازگشت جعفر بن ابیطالب
۶۱۱	رذ الشمس
۶۱۴	صلح با دیگر طوائف یهودی
۶۱۷	گفتار دوم یهود فدک
۶۲۱	نگاهی گذرا به امر فدک
۶۲۵	فدک و گسترش آن
۶۳۱	یهود وادی القری
۶۳۱	یهود تیماء
۶۳۵	گفتار سوم اخراج یهود از جزیره العرب
۶۵۱	گفتار چهارم
۶۵۱	اخلاق یهود در قرآن [اواخر هجرت]
۶۷۱	منابع کتاب :

انگیزه‌ی مؤلف

باسمه تعالی شأنه

اکنون که بیان آزاد گشته و اذهان باز شده و شوق به معارف اسلام فزونی یافته و ارتباط بین ملت‌ها قوت گرفته، مناسب دیدم پیرامون:

«چگونگی و چرایی ارتباط اسلام و اهل کتاب»

که در قرآن از آن سخن بسیار گفته ولی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است، اثری بنگارم؛ بدین منظور همت گماشتم و با اقتباس از آیات قرآن و احادیث نبیّ مختار و کلمات ائمه اطهار علیهم‌السلام و با مراجعه به گزارش‌های مورخان معروف و تحقیقات محققان مشهور، مجموعه‌ای فراهم آوردم. کتاب حاضر که عهده‌دار بیان تعامل «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و یهود» است، بخشی از آن مجموعه می‌باشد که امیدوارم مقبول نظر اهل دانش و قبول خاطر اهل بینش قرار گیرد.

هدف عالی و انگیزه‌ی اصلی از این پژوهش، دفاع از مقام شامخ ولایت و سگان‌دار کشتی امامت، شمشیر خدای ذوالجلال و منکوب‌کننده‌ی اهل ضلال، امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است که امیدوارم توانسته باشم گوشه‌ای از مظلومیت آن امام همام که در طول تاریخ، پیوسته مورد ظلم و حق‌کشی بوده است بر ملا سازم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سید جعفر عارف کشفی

مشهد مقدس

مقدمه

حمد و ثنای بی‌حد، یگانه‌ای را سزد، که ادراک ذاتش از دست‌رس عقول به‌دور است و نیل به ذروه‌ی کمالش از سمند خیال مصون. آن قیومی که آفتاب علم و هدایتش بر هر ذره‌ای تابیده و کمند و قبضه‌ی قدرتش، گریبان هر موجودی را گرفته. آن فیاضی که صبح وجود از افق جودش هر لیل و نهار می‌دمد و آب حیات از چشمه‌ی کرمش هر صبح و شام می‌رود. آن خلّاتی که اکمل خلّش را به اسم رحمان نشأت داد و حسن جمالش را به آفرینش انسان جلوت داد؛ سپس برای تشریفش، شبستان وجودش را به مشکات عقل بیاراست و کتاب مبین را در سیر ضمیرش بنگاشت. پروردگاری که خیر و شر را به فطرت آدمی بیاموخت و در سراپرده دل، مصباح علم بیافروخت؛ شریعت اسلام را بر طریق هدایتش بنهاد و به خورشید نبوت روشن داشت؛ نشان هدایت را به امام مبین برپا ساخت و لوایش را تا به قیامت برافراشت. پویندگان راهش را به پاس ره‌یابی، به بارگاه شاهی، مأوای داد و مقام صدقش را سرمنزل مقصودشان نمود.

بعد از این، صلوات و درود بی پایان الهی و برکات و تحیات بی‌حد سبحانی، بر تنها شناگر بحر معرفت که تا: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» «فاصله‌ی بین دو قوس کمان و یا کمتر از آن» پیش رفته؛ و یکه تاز عرصه‌ی عبودیت که تا: «فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ» «پس وحی کرد به بنده‌اش آنچه وحی کرد» اوج گرفته؛ او که بر رفرف و براق، در سفر معراج، توسن راند و بر سفره‌ی پروردگار، شب را به صبح رساند؛ آن که کروبیان از سراق عرش به شوق دیدارش گردن کشند و مقربان درگاه عزّت صف کشان به زیارتش انتظار برند؛ او که نور وجودش در مرکز پرگار، پیوسته رخشان است و دست ذی‌جودش در دایره‌ی امکان همواره بخشان است؛ آن که هلال سرانگشتش به اشاره‌ای، ماه را دونیم کند و کمند نگاهش به غمزه‌ای مهر را از افق برکشد. او که سنگ‌ریزه از نوازش دستش به تسبیح آید و شاخ درخت از صدای قدمش به تسلیم افتد.

با این همه ، آن وجود نازنین، از شدت تمکین، در عالم خاکی در میان مردم عامی ، چند صباحی به سر بُرد؛ به نانی خشک قناعت و به پلاسی پشمینه بسنده کرد و از شدت تواضع، بر مرکب برهنه سوار شد.

باز، بهترین تحیات و برترین سلام‌ها ، بر نور الانوار و حجة الجبار و قسیم الجنة والنار و والد الائمة الابرار، امیرالمؤمنین و امام المسلمین و وصی ختم المرسلین، صدیق اکبر و فاروق اعظم، آن که شمار کمالش چون کلمات حق از شماره بیرون است و حدود صفاتش از ادراک بشر به دور؛ آن که نام مقدّتش در سرادق عرش مسجود کرویّان است و خاک قدمش بوسه گاه قدسیان ؛ آن که ضربت شمشیرش از عبادت ثقلین برتر آمد و قوّت بازویش ملائک را به شگفت آورد ؛ او که مؤمنان را مایه‌ی لطف و رحمت است و مشرکان را عذاب و نقت.

نیز، پاک‌ترین تحیات و خالص‌ترین سلامات ، بر آنان که وارثان علم نبوتند و صاحبان ملک امامت. خاصّگان بارگاه عزّتند و مقرّیان درگاه رفعت؛ مظهر اسماء الهی و معدن اسرار سبحانی؛ آنان که طاعتشان واجب و مودتشان لازم و محبّتشان مایه‌ی نجات است. بالاخص بر ناموس‌دهر و ولی‌امر و صاحب عصر، بقیت‌الله و حجّت‌الله و ابن رسول‌الله، حجّت بن الحسن، مهدی موعود؛ بزرگ سروری که به یمن وجودش افلاک درگردشند و از خوان جودش خلائق روزی خورند؛ آن عدالت‌گستری که مستضعفان چشم به‌راهش نشسته‌اند و مظلومان به دادخواهی در انتظارش به‌سر برند . خداوند فرجش را نزدیک کند و دیدارش را روزی سازد و خدمتش را بر ما منت نهد و ما را از بهترین یاران او قرار دهد.

به راستی بهترین دورانی که بشر به خود دیده و بهترین عصری که در آن زیسته، زمان ظهور پیامبر اسلام ﷺ است. دورانی که زندگی مومنان، به دست مدیری خداگماشته، خردورزی دل‌سوز و مهربان و حاکمی عدالت‌ورز و آگاه، بر پایه‌ی وحی آسمانی و آیات قرآنی تدبیر می‌شد و جانسان از زلال معارف ناب که هر صبح و شام از آسمان هدایت به برکت وجود پیامبر، بر آنان می‌بارید سرشار و شاداب می‌گشت.

این دوره که دوره‌ی اكمال نبوت و اتمام رسالت بود، چند صباحی برکات خود را نشان داد تا نمونه‌ای باشد از دولت کریمه‌ای که در حکومت فرزندش مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف به‌طور گسترده و فراگیر بر بشریت تجلی خواهد کرد. رسالت محمد رسول الله ﷺ خاتمیت دارد و تا قیامت دوام می‌یابد و هیچ پیامبری بعد از او نیاید تا دینش را نسخ نماید. قرآن در این باره چنین فرمود:

«اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر همه ادیان غالب آید، هرچند مشرکان را خوش نیاید»^(۱). و نیز فرمود:

«ما نفرستادیم تو را مگر بر همه جهانیان بشارت دهنده و ترساننده باشی و لکن بیشتر مردم در نمی‌یابند»^(۲).

آن رسول گرامی، سر تا پا، علم و حکمت و نور و معرفت بود، ظرف مشیت خدا و مظهر اراده‌ی الله و نماینده‌ی او بر روی زمین و مجری احکام دین در بین مردم. او از آن جهت که معصوم و مصون از خطا و لغزش بود، گفتار و رفتارش در همه جهات، برای همه‌ی انسان‌ها و در همه‌ی دوران‌ها اسوه و سرمشق شده است. اراده‌ی الهی بر این قرار گرفت که چنین شخصیتی در محیط جهل و نادانی

(۱) - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (التوبة: ۳۳)

(۲) - وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. (سبا: ۲۸)

و بت پرستی و گمراهی ظهور کند و تمام انسان ها را به کامل ترین دین و آسان ترین شریعت فراخواند .

در همان آغاز، بخشی از عرصه ی تبلیغی این پیامبر مهربان، یهودی نشین بود و جمعی از مخاطبان حضرتش را ، یهودیان تشکیل می دادند؛ گروهی که قرن ها خود را صاحب دین و کتاب آسمانی می دانستند و از علم و معرفت دم می زدند؛ تعداد اندکی از ایشان در مکه و بیشتر آنان در مدینه و اطراف آن، به سر می بردند.

بنابراین، سعادت ی به آنان رو آورده بود که شاهد ظهور برترین و بهترین رسولان الهی باشند و دوره ی حیات خود را در عصر پیامبری بگذرانند که در لسان وحی «رحمة للعالمین» (الانبیاء: ۱۰۷) لقب داشت و وجودش مظهر رحمت خدای مهربان، برای همه انسان ها بود.

یهودیان با آن سابقه دیانت و پیشینه ی علمی از بشارت هایی که درباره ی پیامبر خاتم و آگاهی از ظهورش در مکه و هجرتش به مدینه داشتند ، چه نیکو می توانستند به دانش خود جامه عمل ببوشانند و سعادت دنیا و آخرت را برای خود به دست آورند و گوی سبقت را در ایمان آوردن به این پیامبر موعود از دیگران بریابند؛ در رکابش جهاد کنند و خاطره ی اصحاب با وفای یوشع نبی و داود نبی (علیهم السلام) را بار دیگر زنده نمایند و نور خدا را در محیط تاریک بت پرستی حجاز به سرعت منتشر سازند.

اما افسوس که آنان هم چون بسیاری از قریشیان در قبال دعوت آن پیامبر، از خود مقاومت نشان دادند و در معارضه با او از هر فرصتی بهره جستند!

چرا پیامبری که پیش از اعلان رسالت خود، به محمد امین شهرت داشت و صداقت و درستکاری اش مورد قبول همگان بود، بعد از بعثت، سخت مورد تکذیب قریش و یهود قرار گرفت و با مقاومت آنان روبرو شد؟

او که با کمال مهربانی و مدارا با مردم زمانه اش معاشرت می نمود و پیوسته خود را به آنان معرفی می کرد و با آیات قرآنی که وحی آسمانی بود با ایشان سخن می گفت. و همو که در گفتگو با یهود از کتاب هایشان برای حقانیت خود

نشانه می‌داد و سفارشات احبار^(۱) گذشته یهود را بیادشان می‌آورد، چرا باید این گونه مورد تکذیب و آزار قرار گیرد.

باید گفت: به راستی زیان کارترین اهل حجاز، یهودیانی بودند که بی مهابا، در برابر فرستاده خدا و نور نبوت او، عَلم مخالفت برافراشتند و در این کار سخت لجاجت ورزیدند، دنیای خود را تباه، عاقبت خود را سیاه و آینده بشریت را تیره و تار ساختند.

پیامبر اسلام با ورود به مدینه و ایجاد اخوت دینی بین مهاجر و انصار، در صدد ایجاد یک فضای آرام و مطمئن در شهر یثرب، برآمد تا فرصت برای گفتگو و تبلیغ دین خدا فراهم شود و منطق و استدلال به جای تعصب نشیند. او یهودیان مدینه را در حقوق شهروندی شرکت داد و درخواست اسرائیلیان را برای انعقاد پیمان نیز پذیرفت، تا عامل تشنج را - ختی الامکان - منتفی سازد و موجبات گرایش آنان را به اسلام فراهم آورد؛ در نتیجه، یهودیان توانستند تا زمانی که تکلیف پیامبر ﷺ با قومش قریش معلوم گردد بردین خود باقی باشند، با این تعهد که بر علیه پیامبر و مسلمانان هیچ اقدام سویی نکنند و به دشمنان ایشان نیز یاری نرسانند.

این نه تنها توقع زیادی نبود که پیامبر ﷺ از ایشان داشت بلکه کمال لطف و مهربانی درباره‌ی آنان بود، زیرا این پیمان به آنان اجازه می‌داد در محیط آرام مدینه و هر جای دیگر که سیطره پیامبر به آن جا کشیده می‌شد، در سایه حکومت اسلامی ضمن آنکه بر یهودیت خود باقی باشند، به آرامی زندگی کنند و به کار و کسب پردازند.

این پیمان که از ناحیه‌ی رؤساء سه طائفه‌ی یهودی به پیامبر پیشنهاد شده بود در سه نسخه تنظیم شد و هریک از رؤساء از طرف طائفه‌ی خود آن را امضا نمود. آنان پذیرفتند اگر شروط عهد نامه از ناحیه یهودیان رعایت نشود، ریختن خونشان بر پیامبر حلال باشد و اموال و کاشانه‌ی آنان از آن او گردد.

(۱) - دانشمندان یهود را «احبار» گویند مفرد آن جبر است.

پس از آن که پیامبر در جنگ بدر و اُحُد، بر قریش پیروز شد و حَقَانِیتش به مردم حجاز ثابت گردید و پایه های حکومتش در مدینه قوت گرفت؛ یهودیان از این نتایج درخشان به خشم آمدند و در گوشه و کنار، دست به شیطنت زدند و هر کجا خشم خود را به گونه ای ابراز و اساس پیمان خود را متزلزل نمودند. بنابراین، پیامبر از آنان خواست که در برابر دعوت الهی او، موضع خود را به طور شفاف روشن کنند؛ اگر مایلند همچنان بر یهودیت خود باقی بمانند، باید که شروط پیمان را به تمام و کمال رعایت کنند و از هر گونه گستاخی پرهیزند و گرنه عاقبت بدی را برای خود رقم خواهند زد.

پیامبر با آن که اصل: «هیچ اکراهی در دین نیست»^(۱) را از همان اوان ورود به مدینه، تدوین فرمود و آیات قرآنی را در این باره، بر همگان خواند و مسلمانان را بر این امر واقف نمود، تا هیچ کس، دیگری را مجبور به قبول اسلام نکند. اما هرگز به مانع سازی و جلوگیری از انتشار دین و فسادانگیزی و تفرقه افکنی رضایت نمی داد و برای هیچ کس چنین حَقّی قائل نبود.

از گزارش های تاریخی و حدیثی بر می آید: پیامبر در پاسخ گویی و گفتمان با یهودیان، کمال ملاطفت را نشان می داد؛ به طوری که در هر ساعتی از روز یهودیان می توانستند بر آن حضرت وارد شوند و هر سوالی داشتند از پیامبر خدا بپرسند؛ تا آن جا که گفته شده: بخش زیادی از آیات قرآنی و حتی برخی سوره های آن در پاسخ به سوالات یهودیان و بهانه جویی آنان نازل شده است. اخباری در این باب وارد شده است که می رساند؛ برخی از علمای یهود، بیش از صد سوال از پیامبر در یک مجلس، نمودند و حضرتش از منبع وحی، پاسخ آنها را داده است؛ از آن جا که برخی از جواب ها با تعالیم تورات موافقت داشت، ضمن آن که رضایت پرسش گران را جلب می کرد، نیز می توانست دلیل بر حَقَانِیت آن پیامبر مکرم باشد.

رسول خدا ﷺ از باب حسن اعتماد و نیک سیرتی، در همان آغاز هجرت

(۱) - لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ (بنا بر یک تفسیر)، بخشی از آیه ۲۵۶ البقرة {آیه الکرسی}

از میان یهودیان برای کتابت نامه‌های خود، شخصی را استخدام نمود و او تا چند سال نامه‌ها و قراردادهای پیامبر را به عبری و عبری می‌نوشت.

پیامبر ﷺ حتی یک بار به کنیسه‌ی یهودیان حاضر شدند و به فقراتی از تورات که توسط کاهنی خوانده می‌شد گوش فرا دادند و چون دریافتند آیاتی چند که متضمن بشارت او بود از متن تورات قرائت نشد، از قاری خواستند در خواندن کتاب مقدس، چیزی از آیات آن را رها نکند و حقایقش را کتمان نسازد. یکی از یهودیان که با مشاهده این امر به حقانیت پیامبر پی برده بود، آن عبارت توراتی را از حفظ خواند و به او ایمان آورد و در همان‌جا شهادتین را بر زبان جاری نمود.

پیامبر ﷺ نامه‌هایی را به یهودیان ارسال می‌نمود و با منطق و استدلال و ذکر آیاتی از کتاب مقدس که بشارت او را می‌داد، ایشان را به دین خود دعوت می‌نمود و سخن حبر پاک سرشتی به نام «ابن خراش - ابن حواش» را، که پیش از این، از شام به مدینه آمده و با نشانه و علایمی از ظهورش خبر داده بود، بیادشان می‌آورد و این‌گونه حجت را بر ایشان تمام می‌کرد.

پیامبر ﷺ هر معجزه‌ای که یهودیان از او می‌خواستند و اذن الهی در آن بود، به آنان نشان می‌داد تا دیگر بهانه‌ی برای مخالفت نداشته باشند و او را نیز بهتر بشناسند.

آنچه شگفت‌انگیز است این که از جمع ایشان، به جز تعداد اندکی که اغلب از بزرگان و احبار بودند، کسی به پیامبر ایمان نیاورد و کتاب آسمانی او را تصدیق نکرد. حتی اسلام آوردن احباری مثل حصین بن سلام و مخیریق یهودی، با آن سابقه‌ی درخشانی که در یهودیت داشتند، نتوانست سایر یهودیان را قانع سازد و آنان را به وادی هدایت بکشاند؛ به‌راستی چرا یهودیان با مشاهده‌ی چنین نشانه‌هایی پیامبر خدا ﷺ را تصدیق نمی‌کردند؟

باید دید آیا بی‌خردی و خودخواهی زوَساء یهود اجازه نمی‌داد، عاقه‌ی یهود از فضای عطرآگین دوران نبوت و خرمی وحی و شیرینی کلام الهی، بهره ببرند و یا تعصب دینی و تقید به یهودیت بود که آنان را از گرایش به اسلام باز می‌داشت؟

این یک حقیقتی است که پیامبر ﷺ رحمت بیش از روساء و بزرگان یهود به عامه‌ی یهود رفت داشت و از کفرورزی آنان محزون می‌شد. قرآن مجید از حزن و اندوه آن حضرت، به خاطر کفرورزی یهود خبر داده است: «ای رسول ما، آن کسانی که به کفرورزی شتاب می‌ورزند، تو را محزون نکنند؛ همان کسانی که با زبان می‌گفتند ما ایمان آوردیم، ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده است؛ و هم‌چنین یهودیان»^(۱)

بدیهی است این نگرانی پیامبر ﷺ نه برای خود بود که مورد تکذیب قرار گرفته است؛ بلکه به خاطر فرجام تلخی بود که هم در دنیا و هم در آخرت در انتظار یهودیان بود. این آیه، درحقیقت بیان دیگری است از آیه شریفه: «حَرِصْ عَلَیْکُمْ»^(۲) که می‌رساند، پیامبر ﷺ سخت شایق بود همه انسان‌ها به دیانت الهی در آیند و از تربیت او بهره ببرند. زمانی که می‌دید مردم بر کفرورزی خود پافشاری می‌کنند افسوس می‌خورد. بر این معنا آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد.

بنابراین، پیامبر رحمت هرگز نمی‌خواست یهودیان کشته شوند یا مال و منزلشان را از دست بدهند؛ او می‌خواست آنان به حقیقتی که دریافته‌اند تن در دهند و لجاجت را کنار بگذارند، بلکه به راه مستقیم هدایت شوند و خود و دیگران را از این سعادت محروم نسازند.

باید دانست گزارش‌های تاریخی، به‌هیچ‌نحو چگونگی اخلاق و سیرت یهودیان را بازگو نمی‌کند تا روشن سازد، چرا غالب یهودیان به این حد، لجاجت به خرج

(۱) - يٰۤاَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا تَحْزَنْكَ الَّذِيْنَ يُسْرِعُوْنَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْا ءَاْمَنَّا بِاَقْوَاهِمَّ وَلَمْ تُوْمِنْ قُلُوْبُهُمْ وَمِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا... (المائدہ: ۴۱)

(۲) - لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَیْكُمْ يٰۤاَلْمُؤْمِنِيْنَ رُوْفٌ رَّحِيْمٌ (التوبه: ۱۲۸)

ترجمه: «ای تردید، رسولی از خودتان به نزد شما آمده است، هر رنجی بکشید برای او سخت

است، و اندام خواهان شماست، با مومنان دل‌نزدیک و با کافران دل‌دور»

می دادند و با اینکه حقیقت امر بر آنان معلوم گشته بود، پیوسته در پی مخالفت و مبارزه با پیامبر خدا ﷺ کمر بسته بودند، تاجایی که به طور جدی در صدد قتل او و اصحابش برآمدند و با او اعلان جنگ کردند و حتی در این راه حاضر شدند از بت پرستان که در خط ضد یهودیت بودند کمک بگیرند.

با این همه، پیامبر خدا مصرانه در صدد خیر خواهی و هدایت یهودیان بود. او با آنان تا جایی که دین خدا در خطر نمی افتاد مسالمت داشت. اما چون دین خدا را در خطر می دید، دیگر حتی برای یک لحظه، مدارایی و درنگ روا نمی دانست. که نمونه ی آن را در جنگ با بنی قریظه خواهیم خواند. در این غزوه، پیامبر خدا ﷺ برای دفع شر یهودیان، از ناحیه خداوند ماموریتی فوری دریافت نمود به گونه ای که مجال اقامه ی نماز عصر در مدینه را نیافت و مامور شد نماز عصر را در محله ی « بنی قریظه » بخواند تا یهودیان را در شرائط ویژه و حساس بعد از فتح خندق، زیر نظر داشته باشد! تاریخ هرگز اقدامات شرارت بار آن طائفه ی یهودی را منعکس نساخته تا بتوان به سبب فوریت این امر پی برد.

زمانی که می گوئیم پیامبر اسلام، دارای رسالت جهانی است بدین معناست که تمام مردم جهان این حق را دارند که از معارف حقه اسلام با خبر شوند و بتوانند در سایه حکومت «الله» جلّ جلاله به سر برند و از تعالیم آسمانی قرآن مجید که هدیه ی الهی است بهره مند گردند. اگر رئیس کشوری و یا فرماندهی شهری و یا بزرگ قبیله ای بخواهد در این امر الهی مزاحمت ایجاد کند، باید پی آمد آن را متحمل شود و وزر و وبال گناهان مردم خود و کفرورزی ایشان را به دوش کشد.

باید توجه داشت، آیات قرآنی خط مشی پیامبر ﷺ را تعیین می کرد؛ هم چنان که عمل پیامبر هم آیات قرآن را تبیین می نمود. زمانی که از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اسلام وحی می شد:

«و با کسانی بجنگید که با شما می جنگند و از حد نگذرانید»^(۱)؛

(۱) - وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونََكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا (البقرة: ۱۹۰)

یا در جای دیگر فرمان می‌داد:

« پس با رهبران کفر، ستیز کنید که آنان عهد را رعایت نمی‌کنند »^(۱)؛

این دستورات، محدوده‌ی وظیفه پیامبر و خط مشی او را در جنگ با مشرکان و یهودیان ترسیم می‌نمود و بیشتر غزوه‌ها و سریه‌های آن حضرت از این دستور پیروی می‌کرد^(۲).

با کمال تأسف، غالب طوائف یهودی در حجاز، راه مخالفت و مبارزه را پیش گرفتند و بارها عهد خود را با پیامبر خدا ﷺ شکستند، آنان با انتخاب راه باطل، نه تنها عزت و شرف انسانی خود را زیر پا گذاشتند که به جامعه بشری نیز خیانت کردند! زیرا بهترین لحظات عمر پیامبر را به جنگ‌های پی‌درپی مصروف داشتند و امکانات و فرصت‌های طلایی که می‌توانست برای رشد جامعه بشری به کار گرفته شود و زیر بنای متین و محکمی بسازد، تباه کردند. آنان اجازه ندادند پیامبر خدا آنی آرام باشد و با فراغت بال و به شکلی گسترده، به اجرای برنامه‌های دینی و حکومتی خود و آموزش و تفسیر آیات قرآنی بپردازد تا از این رهگذر، علم و حکمت الهی در متن جامعه بشری نهادینه شود.

با این همه، رسول خدا ﷺ با یهودیان، روشی پیش گرفت تا هم حرمت شریعت موسوی و کتاب خدا تورات، که آیاتی از آن در بین یهودیان بود، رعایت گردد و هم برای آیندگان دستور و برنامه‌ای پیش رو گذارد؛ تا مومنان بدانند هنگام جبهه‌گیری اهل کتاب در برابر اسلام چه روشی باید پیش گیرند. از این رو، باز کاوی این امر از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و تحقیق همه جانبه ای را می‌طلبد.

نزدیک به یک پنجم وحی آسمانی قرآن درباره‌ی بنی اسرائیل و یهود نازل شده است و رسول خدا ﷺ در مقام مجری فرمان‌های حق تعالی، دارای مقام

(۱) - فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكَفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَنَ لَهُمْ... (التوبه: ۱۲).

(۲) - « غزوه » به جنگ‌هایی گفته می‌شد که پیامبر شخصا در آن شرکت داشتند و « سریه » نام جنگ‌هایی بود که پیامبر به آن فرمان می‌داد، لیکن خود در آن حضور نداشت.

عصمت بود و راه خطا نمی‌پیمود؛ ما با وقوف بر این دو امر مهم، به چگونگی تعامل این عنصر عدالت و احسان با یهودیان عصر خود که بیش از نیمی از مخاطبان آن حضرت را تشکیل می‌داد و قلمرو آنان نیمی از عرصه تبلیغی او را فرا می‌گرفت پرداخته‌ایم.

یهودیان نسبت به پیامبر آخر زمان ﷺ از دیر باز و قبل از آن که او به دنیا بیاید شناخت داشتند، تعبیر بسیار رسا و عمیق قرآن در دو آیه مکی ومدنی که می‌رساند: اهل کتاب، پیامبر را چون فرزندان خود می‌شناسند، مؤید این حقیقت است^(۱)؛ این امر، ما را بر آن داشت تا مجموعه‌ای از آیات و اخبار و گزارش‌ها را در این باره فراهم آوریم تا معرفت ما را به ساحت قدس پیامبر ﷺ بیشتر کند و راهنمای خوبی هم برای غیر مسلمانان باشد و روشن شود که یهودیان درحقیقت با یک مصلح جهانی شناخته شده به مقابله و مبارزه پرداختند.

برای تبیین این دیدگاه‌ها، لازم بود در آغاز، پیرامون پدر توحید، ابراهیم خلیل علیه السلام کلماتی چند بیان کنیم؛ تا هم کتاب به نامش شروع گردد و هم ارتباط او و فرزندش اسماعیل علیه السلام را با اهل مکه و بنای کعبه و دین حنیف اسلام و نسبتش با شخص پیامبر روشن شود؛ و دریابیم، چرا یهودیان سعی داشتند دین خود را به گزاف، به ابراهیم منسوب کنند.

پس از این، به معرفی برخی انبیاء از ذریه‌ی ابراهیم علیه السلام خصوصا موسی بن عمران علیه السلام که رسالت او فراگیر بوده و در تاریخ بنی‌اسرائیل بلکه تاریخ بشر، نقطه عطفی به شمار آمده پرداخته شده و سپس به رسالت عیسی مسیح علیه السلام که یهودان را به انحراف کشانید نگاهی انداختیم، آن‌گاه به آفرینش نورانی پیامبر اکرم که با ویژگی نبوت همراه بود و بزرگان یهودی با اطلاع بر آن، ظهور آخرین فرستاده‌ی خدای متعال را قریب الوقوع دانستند، اشاره شده و به دنبال آن گزارش‌هایی از کینه توزی یهودیان درباره‌ی آن حضرت، پیش و پس از تولد، هم‌چنان تا هنگام بعثت و بعد از آن تا زمان هجرت و در دوره‌ی ده ساله هجرت

(۱) - الانعام: ۲۰؛ البقرة: ۱۴۶.

عرضه شده است.

قبل از بحث از چگونگی حضور یهودیان در جزیره ی عربی، لازم به نظر رسید منشأ یهودیت را مورد بررسی قرار دهیم تا دانسته شود: آیا می توان آنچه به عنوان یهودیت شناخته شده است، آیین موسی بن عمران دانست و یهودیان را بر دین آن پیامبر برحق الهی تلقی کرد؟ آن گاه، به حضور قوم بنی اسرائیل و یهودیان در جزیره ی عربی خصوصا در مکه معظمه که مورد اختلاف محققین است و از نظر ما در قرآن برای آن شواهد بسیاری وجود دارد، به اختصار پرداخته ایم؛ سپس به حضور یهودیان در یمن نیز اشاره ای داریم، چه آن که برخی از مسلمانان مدینه دراصل یمنی بودند و از روی نفاق یا حقیقت از یهودیت به اسلام رو آوردند.

شناخت طوایف یهودی در اطراف مدینه و جداکردن عرب های متهود از یهودیان بنی اسرائیل امری ضروری به نظر رسید، چه آن که رفتار یهودیان عرب با پیامبر ﷺ در مقایسه با رفتار یهودیان بنی اسرائیل با آن حضرت، تفاوت فاحشی داشت. این بحث می تواند برخی ابهامات را روشن سازد.

کلید دیگری که در این رابطه پاسخ بسیاری از سوالات را می دهد این که در منطق قرآن، یهودیان با وفا و مسالمت جو، از یهودیان متعدی و معاند، کاملاً جدا شده اند؛ قرآن از دسته دوم به: «کافران از اهل کتاب» الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ (البقره: ۱۵۰)، تعبیر فرموده است و از رفتار آنان گزارش های کوتاه و مجملی داده است که ما به اختصار و با ذکر آیاتی از قرآن در سه گفتار: «یهود در قرآن اوائل هجرت، اواسط هجرت و اواخر هجرت» بدان پرداخته ایم. ناگفته نماند: بحث یهود در قرآن، خود بررسی عمیق و گسترده ای را می طلبد. شما می توانید این موضوع را با تفصیل بیشتری در کتاب «بنی اسرائیل و یهود در قرآن»^(۱) پی گیری کنید.

موضوع اصلی کتاب همان گونه که از نامش پیداست، بحث از چگونگی و چرایی تعامل پیامبر اسلام ﷺ با یهودیان بنی اسرائیل ساکن در محیط تبلیغی آن حضرت است که در دو مرحله بررسی شده است: مرحله ی نخست از زمان هجرت

(۱) - کتاب «بنی اسرائیل و یهود در قرآن» اثر دیگری از نویسنده که در دست تدوین است.

تا غزوه بنی قینقاع را در برگرفته و مرحله دوم از غزوه‌ی بنی قینقاع تا صلح خیبر را شامل است. در این دو مرحله تحلیل گسترده‌ای از کینه توزی یهودیان و عوامل و انگیزه‌های آن و جبهه‌گیری آنان در قبال رسول خدا ﷺ صورت گرفته است. جنگ‌هایی که طوائف یهودی مستقلاً و یا با کمک بت پرستان، به راه انداخته‌اند در گفتارهای جداگانه بیان و در چگونگی وقوع این غزوات و آثار و عواقب آن‌ها نسبت به جامعه یهودی و جامعه نوپای اسلامی، بحث شده است که خالی از مطالب تازه نیست و حلقه‌های مفقوده‌ای هم معرفی گردیده که زمینه را برای تحقیق بیشتر فراهم می‌کند.

یکی از امتیازات این کتاب، دفاع از مقام شامخ امیرالمومنین علی (علیه السلام) که یار و مددکار و زبان‌گویا و شمشیر برآن پیامبر آخر زمان بود و عمده‌ی مبارزات آن حضرت در سرکوبی یهودیان، به دست این یکه تاز میدان نبرد صورت گرفت، که در حد بضاعت بیان شده است؛ حقیقتی که در تالیفات محققان عامه غالباً به فراموشی سپرده شده و یا کم رنگ منعکس گردیده است. آنان به عمد و یا به سهو، از ابراز شجاعت و شهادت و بیان موقعیت این امام همام، طفره رفته‌اند و مستشرقان که در شناخت اسلام و تاریخ آن، از منابع ایشان بهره گرفته‌اند، بر این پرده پوشی افروخته‌اند و بدین گونه، ظلم مضاعف و فاحشی به عزیزترین صحابه رسول خدا ﷺ و بهترین یاور دین خدا وارد آمده است^(۱).

آن امامی که برادر و وصی پیامبر و همانند او در اخلاق و رفتار و علم و قدرت بود، به گونه‌ای که درباره اش فرمود:

«ای علی من از توام و تواز منی، مانند پرتو نور از چراغ» (کالضوء من الضوء)؛

چنین شخصیتی، در بسیاری از تالیفات اهل عامه، مانند دیگر صحابه و یا کمترین آنان، به حساب آمده و به گونه‌ای امر بر برخی مشتبه گردیده که «شکرالله رومی» در «بهجة التواریخ» نوشته است: «این مسلم است که عمر پسر خطاب و ابوبکر، از علی (علیه السلام) برترند، اما در برتری عثمان بر علی اختلاف است،

(۱) - «السلام علیک یا ولی الله، أنت أول مظلوم وأول من غُصِبَ حقُّه...». (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت مطلقه امیرالمومنین، زیارت پنجم).

حق آن است که عثمان افضل است»^(۱).

ببینید بی حیایی و حق پوشی تا چه حد؟! و نا دیده گرفتن آیات قرآنی و احادیث نبوی در شان امیرالمومنین (علیه السلام) تا چه اندازه؟! امتیاز دیگر این نوشتار، بسط کلام پیرامون «فدک» است که بدون جنگ به تصرف پیامبر ﷺ درآمد و عنوان فی پیدا کرد و درباره‌ی آن، به اتفاق شیعه و سنی، از ناحیه خداوند دستور خاص رسید. پیامبر به امر خدای متعال، آن را به دخترشان زهرای مرضیه (سلام الله علیها) هدیه دادند و بر آن مکتوبی نوشتند و شاهد هم گرفتند.

«فدک» ظاهراً آخرین منطقه‌ی مهم یهودی نشینی بود که پیامبر اکرم ﷺ با اهل آن مصالحه نمود و گویا این مصالحه، عمومیتی داشته است که دیگر مناطق یهودی نشین که هنوز به تصرف حکومت اسلامی در نیامده بود را نیز در بر می گرفت؛ این موضوع با استناد به یک حدیثی در این کتاب مورد کاوش قرار گرفته، اما بسط کافی نیافته است و جا دارد پیرامون آن بیشتر فحص و تحقیق شود.

و امتیاز دیگر، ایراد سخن از رانده شدن یهودیان از جزیره العرب توسط عمر بن الخطاب است که آیا اقدام وی حقیقتاً در راستای سفارش‌های پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ صورت گرفته و یا سبب نقض پیمان آن حضرت با یهودیان شده است؟ ما سبب عمده و انگیزه اصلی عمر در این اقدام را، به نحوی که شاید در کتاب دیگری یافت نشود، به بررسی گذاشته و نظر خود را هم ابراز داشته‌ایم. ناگفته نماند، موضوع این کتاب، گسترده‌گی همه جانبه داشته و منابع موجود از بیان بسیاری از حقایق ساکت است. به نظر می‌رسد، دست یهودیان و حکومت‌های بنی امیه و بنی العباس در از بین بردن و یا کتمان و تحریف واقعیتهای، بسیار پر نفوذ بوده است؛ از این رو ابهامات و حلقه‌های مفقوده در این راستا بسیار است.

(۱) - بهجة التواریخ: ۲۷۵، از نسخه‌ی خطی ۸۶۱ هـ.

در تحقیقات صورت گرفته آنچه به دست عرب زبانان تالیف شده است، محدود و بیشتر جنبه‌ی تکراری دارد و در برخی از آن‌ها، حمیت عربی به خوبی هویدا است. و آنچه از ناحیه مستشرقان عرضه شده، سرلوحه‌ی آن، طبعاً دفاع از یهودیان و انتقاد از پیامبر اکرم اسلام می‌باشد. نویسنده به تحقیق جامعی در این باره، به ویژه به زبان فارسی، دست نیافت و از جهت منبع تاریخی به راستی، احساس کمبود نمود؛ لیکن خوشبختانه به بسیاری از واقعیت‌ها از طریق احادیث اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) دست یافت و خود را بدان راضی نمود.

مسئلاً اعتبار احادیث نبوی و علوی از گزارش‌های تاریخی به مراتب بیشتر است. زیرا مورخین پیوسته تحت نفوذ حکام زمان بودند و در نقل گفته‌ها و آثار تاریخی از سوی آنان، انگیزه و حساسیت دینی به چشم نمی‌خورد. ولی در حفظ و نقل احادیث، به دلیل حرمت افترا به پیامبر و اهل بیت او (علیهم‌السلام) نوعاً حساسیت ویژه‌ی اعمال می‌شده؛ همان‌گونه که وجود راویان شیعه امامی در سند آنها، اعتبار خاصی به آن‌ها بخشیده است و این ویژگی، در گزارش‌های تاریخی کمتر یافت می‌شود.

احتمال جعل هم‌که دستاویزی برای غرض ورزان و دشمنان اهل بیت عصمت شده است، با حساسیتی که محدثان پاک و با تقوا در نقل احادیث داشتند، به میزان این اعتبار ضرری نمی‌رساند. باید گفت: به راستی حقایقی در لابلای احادیث معصومین (علیهم‌السلام) نهفته است که هر کس از آن‌ها روی گردانید، از معارف ناب، محروم گشت و امتیاز درخشان کتاب حاضر که در نوع خود کم نظیر است، توجه بیشتر به کلام معصومین و اقتباس از گفته‌های آنان در ارایه مطالب است.

در پایان این آغاز، عرض می‌کنیم: هر حقیقتی همراه خود نوری دارد و رسیدن بدان لذتی دارد و قبول آن از شرافتی برخوردار است، که در هر تحقیق و پژوهشی باید آن را مقصود اصلی قرار داد. از این رو، خوانندگان و اندیشمندان آزاده و طلاب و دانشجویان عزیز را بدین امر مقدس فرا می‌خوانم و از خدای منان، برای خود و ایشان، چنین توفیقی را عاجزانه مسألت دارم.

یا ربّ این قافله را لطف ازل بدرقه باد

که از او خصم به دام آمد و معشوقه به کام

(حافظ)

سید جعفر عارف کشفی

مشهد مقدس

ت: ۲۲۱۰۵۱۲ - ۰۵۱۱